

معمولاً هنگامی که با وظیفه‌ای مواجه می‌شویم، مثلاً هنگام حل یک مسأله یا نوشتن یک فطمه، خود را آگاهانه منطبق می‌یابیم یا نهی‌های خلاصه‌ای از نکاتی که می‌خواهیم ذکر کنیم، خود را برای نوشتن آماده می‌سازیم، عناصر مسأله را تحلیل می‌کنیم و می‌گوئیم آن را مورد بررسی قرار دهیم. اندوخته‌های لغات و عبارات موجود در ذهن خود را برای بیان نظر یا تمایل به کار می‌بریم و از اندوخته‌های راه‌حل‌هایی که آموخته‌ایم، در برخورد با مسأله استفاده می‌کنیم [جویس بروس، مارشال، امیلی کالون، به نقل از: بهرنگی، ۱۳۸۲].

منطق ما برای بسیاری از مسائل و عملیات ابزار وجود کافی است؛ ولی هنگامی که راه‌حل‌های قدیمی یا راه‌های ابزار وجود برای انجام کاری مناسب نباشند، تکلیف چیست؟ در این صورت از بدیعه‌پردازی استفاده می‌کنیم. «سینکتیک» بدین منظور تدوین یافته است که ما را به دنیای قدری غیرمنطقی بکشاند! یعنی به ما فرصت ابتکار بدهد تا اشیای مورد نیاز برای ابزار خویش و رویکرد به مسائل را با راه‌های جدیدی بررسی کنیم [همان منبع].

سینکتیک ترکیبی از دو لغت لاتین به معنی «اتصال و همراهی» عناصر به ظاهر بی‌ربط است. گوردون آن را «اشیای زده‌ای» می‌نامد؛ یعنی فرد تلاش می‌کند، با دید تازه‌ای به چیزهای آشنا بنگرد. تفکر خلاق در این شیوه، به وسیله‌ی فعالیت استعاری و تمثیلی شکل می‌گیرد. بدین ترتیب که از شباهت امور، مانند مقایسه‌ی یک شیء با شیء دیگر، یا یک فکر یا فکری دیگر و استفاده از یکی به جای دیگری، بهره می‌گیرند و تفکر خلاق در خلال این جایگزینی‌ها رخ می‌دهد [جسی، ۱۳۷۸].

۱ | چه بود

# تکنیک‌های پرورش خلاقیت وسینکتیکز، روش بدیعه‌پردازی

فاطمه امامقلی‌وند

کارشناس ارشد روان‌شناسی

## هدف‌ها و فرض‌ها

چهار پایه‌ی سینکتیک عبارتند از:

۱. خلاقیت در زندگی روزمره دارای اهمیت است. خلاقیت به آثار بزرگ هنری یا اختراعات منحصر نیست، بلکه می‌توان آن را در کلیه‌ی مسائل زندگی مشاهده کرد [جویس بروس و...، به نقل از: بهرنگی، ۱۳۸۲].
۲. خلاقیت رازگونه نیز قابل توصیف است. در گذشته، به خلاقیت جنبه‌ی اسرارآمیز می‌دادند و آن را قابل آموزش نمی‌دانستند. درحالی که امروزه این دیدگاه دیگر مردود است و می‌توان آن را آموزش داد.
۳. اختراع خلاق در تمام رشته‌ها مشابه است و با ملاک عقلی مشخص می‌شود.
۴. ابداع و تفکر خلاق، در فرد و گروه مشابه یکدیگرند [همان منبع].

## حالت خلاقیت و جریان بدیعه‌پردازی

فرض نخست آن است که: به وسیله‌ی بیرون کشاندن جریان خلاقیت به سطح آگاهی، و نیز از راه کمک‌های آشکار به خلاقیت، می‌توانیم به طور مستقیم، ظرفیت خلاقانه‌ی افراد و گروه‌ها را افزایش دهیم.

فرض دوم این است که: بعد عاطفی، از بعد عقلی مهم‌تر است، و یا نامعقول مهم‌تر از معقول است.

سومین فرض نیز آن است که: عناصر نامعقول و عاطفی باید به تریبی که احتمال موفقیت در موقعیت مشکل‌گشایی را افزایش دهد، درک شوند [همان منبع].

## فعالیت استعاری

روش‌های بدیعه‌پردازی با استفاده از فعالیت استعاری برای آن تدوین یافته‌اند که ساختی را به وجود آورند تا اشخاص به وسیله‌ی آن بتوانند، خود را برای تخیل و ایجاد بصیرت در فعالیت‌های روزانه رها سازند. از سه نوع قیاس به عنوان پایه برای تمرینات بدیعه‌پردازی استفاده می‌شود: قیاس شخصی<sup>۱</sup>، قیاس مستقیم<sup>۲</sup> و تعارض متراکم<sup>۳</sup> [سام خانیان و همکاران، ۱۳۸۱؛ اسپورن، نقل از قاسم‌زاده، ۱۳۷۵].

## قیاس شخصی

در این قیاس فرد احساس می‌کند، خود قسمتی از موضوع مورد قیاس است و با آن احساس هم‌دلی دارد. این همانندسازی ممکن است با شخص، حیوان، یا شیء باشد. برای مثال، یک

شیمیدان ممکن است خود را به جای مولکول‌های در حال حرکت بگذارد.

چهار سطح اشتغال در قیاس شخصی عبارتند از:

۱. توصیف اول شخص: حقایقی که خوب شناخته شده‌اند را از برمی‌خواند، ولی هیچ نگرش جدیدی از موجود یا حیوان ارائه نمی‌کند و با موضوع هیچ هم‌دلی نشان نمی‌دهد. شخص ممکن است برای توصیف موتور ماشین بگوید: «احساس می‌کنم روغنی هستم، یا احساس می‌کنم داغ هستم.»
۲. همانندسازی اول شخص، توأم با هیجان<sup>۵</sup>: شخص هیجانات عمومی را بیان می‌کند، ولی از بیش‌جذیب‌برخوردار نیست: «احساس قدرت می‌کنم» (مثال موتور ماشین).
۳. هم‌دلی در همانندسازی با موجودی زنده: فرد به طور عاطفی خود را درگیر موضوع می‌کند.
۴. هم‌دلی در همانندسازی با موجودی غیرزنده: این سطح به بیش‌ترین تمرین نیاز دارد. شخص خود را چون موجودی فاقد حیات می‌بیند و می‌کوشد مسأله را از نظر هم‌دلی خود بنگرد: «احساس می‌کنم، نمی‌توانم تصمیم بگیرم، چه موقع حرکت کنم یا بایستم» (همان مثال موتور ماشین).

## قیاس مستقیم

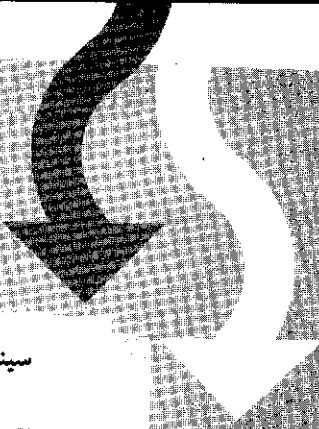
قیاس مستقیم، مقایسه‌ی ساده‌ی دو موجود یا دو مفهوم است. در این مقایسه لزوماً نباید تمام جهات هم‌سان باشند. مهم این است که بتوان نظریه‌ی جدیدی درباره‌ی یک مسأله بیان کرد. این عمل از راه همانندسازی یک شخص با گیاه، حیوان یا موجودی غیرزنده انجام می‌گیرد. برای مثال از فرد پرسیده می‌شود: پرتقال شبیه چه موجودی است؟ آموزش شبیه‌چه موجودی است؟ کدام روان‌تر است: نگاه کردن یا شنیدن؟

## تعارض فشرده

تعارض فشرده، توصیف موضوعی در دو کلمه‌ی ضد و نقیض است. مانند زندگی بخش نابودکننده یا دوست دشمن. گوردون معتقد است، با این شیوه‌ها می‌توانیم به عمق موضوع تازه وارد شویم. آن‌ها بازتاب توانایی فرد برای به هم پیوستن ویژگی‌های ضد و نقیض در چارچوب ذهنی داوری درباره‌ی موجودی منفرد هستند. هرچه فاصله‌ی چارچوب‌های ذهنی زیادتر باشد، انعطاف‌پذیری ذهن بیش‌تر است [تورنس، نقل از قاسم‌زاده].

برای مثال، در تعارض فشرده می‌توان از افراد پرسید: رایانه چگونه کم کار و یا پرتکاپو می‌شود؟ کدام ماشین همانند اخم و یا لیخند است؟ و...





## سینکتیکز ترکیبی از دو لغت لاتین به معنی اتصال و همراهی عناصر به ظاهر بی ربط است

فرامی خوانند. از طرف دیگر، در بسیاری از کارگاه‌های روش تدریس، با همکاران علوم پایه و علوم انسانی (بیش از ۲۵ کارگاه)، ویژگی منحصر به فرد روش بدیعه‌پردازی را به گونه‌ای آزمایش گذاشته‌ام و پندار نظر شخصی‌های به عمل آمده و ادعای دبیران، کاربردی بودن این روش در خصوص تغییر نگرش و ایجاد خلاقیت را دریافته‌ام. در نتیجه، این اندیشه در من قوت یافت که امکان دارد این روش، راه حل مناسبی برای ننگنا‌های مشاوره‌ای و حل مسائل شایع بین دانش‌آموزان باشد. این روش را بین دانش‌آموزان دختر مقطع پیش‌دانشگاهی نیز به کار گرفتم که نتایج به دست آمده، بسیار رضایت‌بخش بود. ادامه‌ی این مقاله خلاصه‌ای از چرایی است که هنگام مشاوره‌ی گروهی بین دانش‌آموزان رخ داده است. می‌خوانیم:

### گزارش ۱

موضوع: کنکور

گام اول: توصیف (مسئله)

مشاور: کنکور را توصیف کنید.

گروه: بند بزرگی برای رسیدن به هدف، غده‌ی سرطانی، انگیزه‌ای برای زندگی، خول بی‌شاخ و دم، عشق من، ویروس چهارگانه‌ای، ناکامی، آخر دیوانگی، وقت تلفن کردن، حادثه‌ی بزرگ، اول بدیخنی، خودکشی، پایان زندگی، آغاز تولد، رویای ناتمام، حسرت ابدی، و بازی با مرگ.

گام دوم: قیاس مستقیم

مشاور: با من در مورد ماشینی صحبت کنید که عجیب‌ترین مقایسه را بین خود و کنکور آغاز می‌کند.

گروه: بلدوزر

مشاور: چگونه بلدوزر و کنکور شبیه به هم هستند؟

گروه: خاک برداری، هر دو در انتها هدف دارند، هر دو وقت می‌خواهند، حوصله می‌خواهند، هدایت کننده‌اند، هزینه‌بر هستند، خراب کننده و آباد کننده‌اند، در عین ناامید کردن،

مراحل مشاوره برای خلق چیزی جدید

گام اول: توصیف وضعیت جدید

مشاور: شاگردان را به توصیف موقعیت یا موقعیتی که اکنون آن را می‌بینند و یا با آن مواجه هستند، وادار می‌کنند.

گام دوم: قیاس مستقیم

شاگردان، خود قیاس‌های مستقیم پیشنهاد می‌کنند، یکی را برمی‌گزینند و آن را بیش‌تر کشف (توصیف) می‌کنند.

گام سوم: قیاس شخصی

شاگردان، همانند قیاسی می‌شوند که در گام دوم انتخاب کرده‌اند.

گام چهارم: تعارض فشرده

شاگردان توصیف خود را از گام‌های دوم و سوم می‌گویند، چند تعارض فشرده پیشنهاد می‌کنند و یکی را برمی‌گزینند.

گام پنجم: قیاس مستقیم

شاگردان به تولید و انتخاب قیاس مستقیم دیگری، می‌بپردازند. تعارض فشرده می‌پردازند.

گام ششم: بررسی مجدد وظیفه‌ی اولیه

مشاور از شاگردان می‌خواهد تا به وظیفه یا مسأله‌ی اصلی برگردند و از آخرین قیاس و یا تمام تجربه‌ی بدیعه‌پردازی استفاده کنند. آیا تلخیص: امیلی کالهور، مارشال و... نقل از بهرنگی، ۱۳۸۲.

چند سال است، تراکم برنامه‌ی درسی و نیز مسائل و مشکلات شایع در بین دانش‌آموزان نظیر اضطراب امتحان و کنکور، رقابت، برنامه‌ریزی و...، مرا به فکر یافتن راه‌حلی فوری و سریع



**امیدوارکننده هستند، درمان کننده اند، در یک جا توقف دارند، با مانع مواجه می شوند، مشکل دارند، به تعمیرات نیاز دارند، مقصد دارند، هماهنگی می خواهند، تدریجی کار می کنند، اوقات و تفریبات در هر دو زبان آور است، برنامه ریزی و تنظیم وقت می خواهند، و به اطلاعات کلی نیاز دارند.**

**گام سوم: قیاس شخصی**

**مشاور: اگر شما بلدوزر شوید، چه احساسی دارید؟**

**گروه:** از بلدوزر بودن خوشحالم، از کارم راضی هستم، انرژی بیش تری می خواهم، در عین خطرناکی مفیدم، کسی از من خوشش نمی آید، آبادکننده ی تنها هستم، می شود کسی مرا دوست داشته باشد، خوش رگام، گرداننده ی بهتری می خواهم، بیضمانت و خسته، بر طرفدار می طرفدارم، دوست دارم قطعانم جدید باشند، اگر من نبودم همه ی کارها لنگ می شدند، لاستیک نو می خواهم، می ترسم وسایل جدید جایگزین من شوند، دنده ام خراب است، دیگر نمی توانم حرکت کنم، و کاش از آینده خیر داشتم.

**گام چهارم: تعارض مشرود**

**مشاور: کلماتی را که با هم تعارض دارند، بیان کنید.**

**گروه:** ناامیدکننده ی امیدوار، سرد و گرم، راضی و ناراضی، کارزار و بی کار، بر طرفدار بی طرفدار، آباد و خراب، بیخ داغ، جدید قدیم، امید و بیم، و خطرناک مفید.

**مشاور:** یکی را که چالش بیش تری ایجاد می کند انتخاب کنید و **گروه:** خطرناک، مفید.

**گام پنجم: قیاس مستقیم**

**مشاور: کدام حیوان مثال خطرناک مفید است؟**

**گروه:** مار، شیر، گاو، سوسک، مورچه، ملخ، پلنگ، مارمولک و زنبور.

**مشاور: یکی را انتخاب کنید.**

**گروه:** زنبور.

**گام ششم: بازگشت مجدد به مسأله ی اولیه**

**مشاور:** حالا در مورد کنکور چیزی بر اساس زنبور مفید

**خطرناک؟ بنویسید.**

**گروه:** شاید سرد و خندانم زیاد باشد، اما در عین حال مفیدم، چه قدر خوش رنگم. خیلی مفیدم. نتیجه ی عمل من بستگی به خوراکم دارد. هرچه کاشتم، درو کردم. بعضی ها را بدجوری اذیت کردم، اما تقصیر خودشان بود. اگر راهش را بلد بودم، می توانستند از بیس من بربایند. گل ها را خیلی دوست دارم. رنگارنگم. باید برویم جلو. قشنگم. دورنگم. زورنگم. شبیه پلنگم. انتخابم کنم. به تظاهرات نیاز دارم. چرا دیگران سعی نمی کنند با من حرف بزنند. اگر حال و هوای آدم ها خوب باشد، من آزادترم. در عین این که آدم ها از من می ترسند، من هم از آن ها می ترسم. تخریب نشان می دهد، کسانی که از من نمی ترسند، از من آسیب نمی بینند. به یک زنبور از خوب نیاز دارم. وقت پرواز، احسان منبکی دارم.

**مشاور: آیا احساس شما از کنکور همان احساس اولیه است؟**

**گروه:** نه خیلی عوض شده است. حالت است.

**گزارش ۲**

**موضوع: برنامه ریزی**

**گام اول: توصیف مفهوم**

**مشاور: بچه ها بنویسید برنامه ریزی را توصیف کنیم. برنامه ریزی یعنی چه؟**

**گروه:** یعنی تقسیم بندی وقت و اولویت دادن به کارها، وقت

**مشاور**  
**گروه**

**روش های بنیعه پردازی با استفاده از فعالیت استماری برای آن تدوین یافته اند که ساختنی بتوانند، خود را برای تخیل و ایجاد بصیرت در فعالیت های روزانه رها سازند**

۲۲  
شماره ی ۲  
تابستان ۸۵



طلاست، رسیدگی به بنام کارها، انسجام در کارها و غنیمت شمردن وقت.

**گام دوم: قیاس مستقیم**  
مشاور: کدام ماشین عجیب‌ترین مقایسه را بین خود و برنامه‌ریزی ایجاد می‌کند؟

**گروه: جرح حیاطی، مخلوط کن، آسانب، آمبویه‌گیری، جرح گوشت و ماشین سواری.**

مشاور: یکی را انتخاب کنید.  
**گروه: جرح حیاطی**

مشاور: چگونه برنامه‌ریزی و جرح حیاطی به هم شبیه هستند؟

**گروه: هر دو فعالیت دارند، تنظیم می‌خواهند، گرداننده دارند، دارای قاعده هستند، انرژی می‌خواهند، مهارت می‌خواهند، به سوخت نیاز دارند، استخراج می‌خواهند، وقت می‌برند، رسیدگی و هماهنگی می‌خواهند، هدف دارند، و به ارتباط بین اجزا نیازمندند.**

**گام سوم: قیاس شخصی**  
مشاور: خود را جرح حیاطی فرض کنید، از این که جرح حیاطی هستید، چه احساسی دارید؟

**گروه: به روغن احتیاج دارم، پارچه و تیغ‌های رنگارنگ می‌خواهم، سوزن می‌خواهم، دلم می‌خواهد حیاطم خوشگل باشد، تمیجی تیز داشته باشم، دوختن بعضی از پارچه‌ها حسه کنندواند، کنارم بکاری شده است، دوباره روز شروع شد، خیلی زود حسه می‌شوم، کسی به فکر من نیست، دیگر نمی‌توانم کار کنم، دوختن حال می‌دهد، کارم را خراب کردم، از این که مفیدم احساس خوبی دارم، دوست دارم فرصت بیشتری برایم بگذارند، خیلی خوشحالم، در ضمن ثابت بودن حرکت دارم، و قدیمی هستم ولی طرح‌های جدید می‌زنم.**

**گام چهارم: تعارض ششگانه**  
مشاور: کلماتی را که باهم تعارض دارند (ضد و نقیض هستند) انتخاب کنید.

**گروه: خصمتی خوبحال، خوشگل بدقواره، خراب و خوب، راضی و ساراضی، قدیم و جدید، درست و نادرست، ثابت و متحرک، مهارت و بی‌مهارت، مهم و بی‌مهم.**

**مشاور: از بین این کلمات یکی را انتخاب کنید.**  
**گروه: خوشگل بدقواره.**

**گام پنجم: قیاس مستقیم**  
مشاور: چه حیوانی خوشگل بدقواره است؟

**گروه: زرافه، شتر، دراز گوش، شتر مرغ، قورباغه، موسک، گوساله، کروکدیل، و دایناسور.**

مشاور: یکی را انتخاب کنید.  
**گروه: دراز گوش.**

**گام ششم: بازگشت مجدد به مسأله‌ی اولیه**  
مشاور: حالا درباره‌ی برنامه‌ریزی، مثل دراز گوش خوشگل و بدقواره فکر کنید و آن را دوباره توصیف کنید.

**گروه: دوستش دارم، چقدر آرام راه می‌رود، حسه نباشد، کارهای امروزت چه هستند؟ خیلی قناسی، همه‌ی زحمات من دارند حرام می‌شوند، به من توجه نمی‌کنند، حسه شدنم این قدر علف کشیدم، ناامیدم، آخرشم، با این که خوشگل و بدقواره‌ام همه دنبال من هستند، خیلی توپم، من نیاشم همه‌ی کارها لنگ می‌شوند، از بچه‌ام هم کار می‌کشند، این بی‌قواره‌گی را می‌توانم از بین ببرم، خیلی نار دارم، و امروز تصمیم جدیدی گرفتم.**

مشاور: آیا احساس شما درباره‌ی برنامه‌ریزی مثل قبل است؟  
**گروه: خیر.**

**زیرنویس**

1. synectics
2. Personal Analogy
3. Direct Analogy
4. Compressed conflict
5. Emotion

منابع

۱. اسپورن، الگین اس (۱۳۷۵). پرورش استعداد همگانی ابتدای خلاقیت. ترجمه‌ی حسن قاسم‌زاده.
۲. اماوفلی ونید، فاطمه (۱۳۸۲-۸۳). کارگاه مشاوره‌ی گروهی. اجرا شده در مرکز پیش‌دانشگاهی عبدالله زانما، منطقه ۱۵.
۳. تورنس، نی‌بال. آزمون استعدادها و مهارت‌های خلاقیت و راه‌های پرورش آن. ترجمه‌ی حسن قاسم‌زاده.
۴. جویس، بروس و مارشاول، امیلی کالهنون (۱۳۸۲). الگوهای تدریس ۲۰۰. ترجمه‌ی محمد رضا بهرنگی. انتشارات کمال تربیت.
۵. حسینی، افضل السادات (۱۳۷۸). ماهیت خلاقیت و شبیه‌های پرورشی آن. انتشارات آستان قدس رضوی.
۶. سام خانیان، رضا و گروه همکاران (۱۳۸۱). خلاقیت در سازمان‌ها و مراکز آموزشی. انتشارات اسپند هنر.